

رشحات عرفان

پیام بیت‌العدل اعظم مورخ ۷ دسامبر ۱۹۶۹

۷ دسامبر ۱۹۶۹

پیام بیت‌العدل اعظم

دوست عزیز بهائی

نامهٔ اخیر شما راجع به سؤالاتی که در موقع مطالعهٔ کتاب «دور بهائی» برای بعضی از جوانان پیش آمده واصل و به کمال دقت مورد ملاحظه و توجه قرار گردید. این هیأت مایل است عبارت مخصوصی که در نامه متذکر شده‌اید و همچنین عبارت دیگری که در همان کتاب مذکور و مربوط به این موضوع می‌باشد نظرات خود را اظهار نماید زیرا هر دو در خصوص رابطهٔ مقام ولایت امرالله و بیت‌العدل اعظم گفتگو می‌نماید.

عبارت اول راجع به این وظیفهٔ ولی امرالله است که در بیت‌العدل اعظم وضع هر قانونی را که مخالف مفهوم حقیقی آثار مقدسه و مباین با روح تعالیم الهیه تشخیص دهد می‌تواند از اعضاء و همکاران خویش بخواهد در آن تجدید نظر نمایند.

عبارت ثانی مربوط به جنبهٔ عصمت بیت‌العدل اعظم بدون حضور ولی امرالله است یعنی ناظر به این بیان حضرت شوقی افندی است که می‌فرماید «بدون این

مؤسسه (یعنی ولایت امر) ... هدایتی که جهت تعیین حدود عمل قانون‌گذاری نمایندگان منتخب ضروری است کاملاً سلب می‌گردد.»
 به قرار مرقومه بعضی از جوانان در این خصوص دچار حیرت و شگفتی گردیده‌اند که چگونه ممکن است عبارت اول را با بیاناتی نظیر این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء که در الواح وصایا صریحاً می‌فرمایند «بیت‌العدل الذی مصدر کلّ خیر و مصوناً من کلّ خطا» تطبیق داد.

در این خصوص متذکر می‌شود که الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به هیچ وجه من الوجوه با مندرجات کتاب اقدس مابینت ندارد، بلکه طبق بیان حضرت ولی امرالله مؤید و مکمل و شارح احکام کتاب اقدس است. به همان قسم بین آثار حضرت ولی امرالله و آیات نازله از قلم اعلیٰ تبیینات و توضیحات صادره از یراعه میثاق به هیچ وجه مغایرت و بینونیت وجود ندارد. بنابر این برای درک معنی آثار مبارکه باید ابتدا به این حقیقت پی برد که فی الواقع در کلمات الهیه اختلاف و تصادی نیست و نمی‌تواند وجود داشته باشد و سپس در پرتو این امر می‌توان با کمال اطمینان در صدد تجسس وحدت معانی متضمنه در آنها برآمد.

ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم پاره‌ای وظایف و تکالیف مشترک دارند، ولی در عین حال هر یک در دایره مشخص و جداگانه عمل می‌کنند. ولی امرالله در این باره می‌فرماید:

«کاملاً واضح و روشن است که ولی امر مبین آیات‌الله و بیت‌العدل اعظم واضع احکام غیرمنصوصه است. تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همان قدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت‌العدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیرمنصوصه حضرت بهاء‌الله است.»
 و سپس اضافه می‌فرماید که: «هیچ یک از این دو نمی‌تواند به حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود. هیچ یک در صدد تزئید سلطه و اختیارات مخصوصه و مسلمه دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته بر نخواهد آمد.»

فی الحقیقه نمی‌توان تصوّر نمود که دو مرکز که دارای قدرت و اختیارند و حضرت عبدالبهاء در باره آنها می‌فرمایند: «هر دو ... تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائز از حضرت اعلیٰ است» با یکدیگر معارض باشند، زیرا هر دو واسطه فیض الهی و حامل هدایت ربّانی می‌باشند.

بیت‌العدل اعظم علاوه بر وظیفه وضع قوانین و ظایف عمومی‌تری نیز از قبیل صیانت و اداره امور امریه و حلّ مسائل مبهمه و اتخاذ تصمیم نسبت به مواضع مورد اختلاف بر عهده دارد و در هیچ کجا ذکر نشده که عصمت بیت‌العدل اعظم ملازم عضویت ولی امرالله یا حضور ایشان در آن هیأت است، بلکه در حقیقت در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و هم در بیانات حضرت شوقی افندی مندرج در کتاب «دور بهائی» این مسئله به صریح بیان مذکور گردیده که اعضاء منتخب بیت‌العدل اعظم در حال شور و مشورت از حفظ و هدایت الهی برخوردارند. به علاوه حضرت ولی امرالله بنفسه در کتاب نظم جهانی حضرت بهاءالله می‌فرمایند:

«این مسئله باید بر فرد فرد یاران روشن و محقق گردد که مؤسسه ولایت امرالله به هیچ وجه اختیاراتی را که از طرف حضرت بهاءالله در کتاب اقدس به بیت‌العدل اعظم تفویض گشته و حضرت عبدالبهاء صریحاً و اکیداً در الواح وصایا تأیید فرموده‌اند نسخ ننموده و به قدر خردلی از مقام آن نمی‌کاهد. این مؤسسه با آثار و الواح حضرت بهاءالله مباینتی نداشته و هیچ یک از احکام و تعالیم منزله از قلم اعلیٰ را ملغی نمی‌سازد.»

با اینکه وظیفه و مسئولیت خاصّ ولی امرالله تبیین آیات الهی است، در عین حال قدرت و اختیارات لازم جهت اجرای وظیفه مقدّس ولایت امر و صیانت عالیّه و قیادت امرالله را به نحو اکمل دارا می‌باشد. به علاوه ولی امرالله رئیس مقدّس و عضو لاینعزل هیأت عالیّه تقنینیه این آئین یزدانی است. دخالت، شرکت ایشان در وضع قوانین به عنوان رئیس مقدّس بیت‌العدل اعظم و عضو این هیأت صورت می‌گیرد و چون بیان ذیل که موجب طرح سؤال و پرسش گردیده با توجه به رابطه فوق‌الذکر در نظر گرفته

شود معلوم خواهد شد که هیچ‌گونه تناقضی بین آن و نصوص دیگر موجود نیست و آن این است که می‌فرمایند:

«هر چند ولی امر رئیس لاینزول این هیأت عالیه است مع هذا نمی‌تواند ولو به طور موقت حق وضع قوانین را شخصاً به عهده بگیرد و یا تصمیمات اکثریت اعضاء را لغو نماید، ولیکن هر گاه تصمیمی را وجداناً مباین با مفهوم و روح آیات منزله حضرت بهاء‌الله تشخیص دهد موظف است مؤکداً تجدید نظر در آن را بخواهد.»

با آنکه ولی امرالله از لحاظ رابطه خویش با سایر اعضای بیت‌العدل نمی‌تواند تصمیم اکثریت را ملغی سازد معذک این امر قابل تصور نیست که سایر اعضاء ایرادات و اشکالاتی را که ولی امرالله در طی مشورت متذکر می‌گردد از نظر دور داشته و یا بوضع قانونی مبادرت نمایند که حضرت ولی امرالله آن را مغایر با روح امر الهی تشخیص دهند. به طور خلاصه آنچه محفوظ از خطا و مشمول صیانت الهیه است همانا قضاوت و تصمیم نهائی است که توسط بیت‌العدل اعظم اتخاذ و ابلاغ می‌گردد، نه نظرات و آرائی که طی مذاکرات و تعاطی افکار در جریان اخذ تصمیم و وضع قانون ابراز می‌شود. بنابر این ملاحظه می‌شود که هیچ‌گونه تناقض و اختلافی بین بیانات حضرت عبدالبهاء راجع به عصمت و هدایت محتومه الهیه که به بیت‌العدل عنایت شده و عبارت فوق که از کتاب دور بهائی اقتباس گردیده موجود نمی‌باشد.

توجه و آگاهی یاران نسبت به طرز عمل بیت‌العدل اعظم در جریان وضع قوانین ممکن است یاران را به درک این رابطه کمک نماید. در مقام اول مسلماً نهایت دقت و مراقبت در مطالعه نصوص مقدسه و تبیینات ولی مقدس امرالله به عمل می‌آید و همچنین نظرات جمیع اعضاء مورد توجه دقیق قرار می‌گیرد. آن گاه پس از مشورت کامل موضوع تنظیم رأی متخذ به میان می‌آید. در این مرحله نیز ممکن است موضوع به طور کلی مجدداً مورد مطالعه قرار گیرد و چه بسا اتفاق می‌افتد که قضاوت نهائی در نتیجه غور و تجدید نظر ثانوی به نحو قابل ملاحظه‌ای با نتیجه‌ای که قبلاً به دست آمده

متفاوت باشد و حتی ممکن است بالاخره رأی هیأت بر آن تعلق گیرد که در حال حاضر در باره موضوع مطروحه وضع قرار و قانونی ضرورت نداشته باشد. در اینجا می‌توان دریافت که آراء و نظرات حضرت ولی امرالله هرگاه حیات داشتند در جریان طرح این مسائل تا چه حد طرف توجه و احترام قرار می‌گرفت.

اما راجع به عبارت ثانی که در فوق ذکر گردید باید بار دیگر به این اصل مسلم تمسک جسته به یقین بدانیم که تعالیم الهی هرگز مباین و معارض یکدیگر نبوده و نیستند.

هر چند در توقیعات مبارکه به نحو صریح در باره ولی امرهای آینده مطالبی پیش‌بینی شده مذکور است، لیکن در هیچ جا وعده و تضمین صریحی که حکایت از استمرار مقام ولایت برای ابد نماید موجود نیست، بلکه بالعکس قرائن و امارات واضحی در دست است که بر انقطاع سلسله ولایت دلالت می‌نماید و در مقابل در آثار مقدسه به کمال صراحت و ابرام تأیید گردیده که در این یوم عظیم عهد و میثاق الهی غیر قابل انفسام و اراده ربانی غیر قابل تغییر و تبدیل است.

یکی از بارزترین شواهدی که امکان چنین انقطاعی را در سلسله ولی امرالله پیش‌بینی می‌نماید در نفس کتاب اقدس است که می‌فرماید قوله الاحلی: «قد رجعت الاوقات المختصه للخیرات الی الله مظهر الآیات لیس لاحد ان یتصرف فیها الا بعد اذن مطلع الوحی و من بعده یرجع الحکم الی الاغصان و من بعدهم الی بیت العدل ان تحقیق امره فی البلاد لیصرفوها فی البقاع المرتفعة فی هذه الامر و فیما امروا به من لدن مقتدر قدیر و الا ترجع الی اهل البهائم الذین لایتکلمون الا بعد اذنه و لایحکمون الا بما حکم الله فی هذا اللوح اولئک اولیاء النصر بین السموات و الارضین لیصرفوها فیما حدد فی الكتاب من لدن عزیز کریم.»

صعود حضرت شوقی افندی در سال ۱۹۵۷ وضعی را که در آیه فوق بدان اشاره شده زودتر از آنچه انتظار می‌رفت تحقق بخشود، بدین معنی که سلسله غضان قبل از تشکیل بیت‌العدل اعظم خاتمه پذیرفت. هرچند به طوری که

ملاحظه می‌شود اختتام سلسلهٔ اغصان در مرحله‌ای از مراحل پیش‌بینی شده گردیده بود، ولی هرگز فقدان عظیم صعود ولی امرالله و ضربه‌ای که بر امر الهی وارد آمد از نظر اهل بهاء دور نمانده و نخواهد ماند. معهذا تقدیر الهی برای نوع انسان لایتغیر است و میثاق عظیم حضرت بهاءالله چون حصن حصین غیر قابل نفوذ و تسخیر. آیا حضرت بهاءالله به کمال صراحت و اتقان تأکید نفرموده‌اند که "دست قدرت الهی امر خویش را بر اساس متین و بنیان رصین بنا نهاده" (ترجمه)

و همچنین در بیانات حضرت عبدالبهاء مشاهده شده که می‌فرماید "فی الحقیقه خداوند آنچه را اراده نماید مجری سازد و احدی قادر بر انعدام میثاق او نیست و نفسی بر منع عنایات و یا مخالفت با امرش مقتدر نه" (ترجمه)

همچنین "معرض فساد است جز میثاق الهی که دائم و مستمر است و جمیع آفاق را فرا خواهد گرفت." (ترجمه)

و "امتحانات در هر دور و عصر با عظمت ظهور متناسب است و چون تا این زمان چنین عهد صریحی که به قلم اعلیٰ مرقوم باشد اخذ نگردیده امتحانات این دور به همان نسبت شدید و عظیم است." (ترجمه)

«این شبهات نقض مانند کف دریاست ... این کف‌های دریا بقائی ندارد. عنقریب محو و نابود گردد، ولی دریای میثاق الی‌الابد پُر موج است و پُر جوش و خروش»

حضرت ولی امرالله به صریح بیان می‌فرمایند:

«صخره‌ای که این نظم اداری بر آن استوار است مشیت ثابتة الهیه برای عالم انسانی در عصر حاضر است.»

و همچنین «گوهر گرانبهای امر الهی که اکنون در حال جنین است در صدف شرع مقدس نشو و نما نماید و بدون انقسام و انشقاق تقدّم و تعالی جوید تا آنکه عالم انسانی را فراگیرد.» (ترجمه)

در امر بهائی دو مرکز قویم مقرر گردیده که کافهٔ اقتدارات در دست آنان است و احبای الهی بایستی به آن دو مرکز توجه نمایند، زیرا در حقیقت مبین

کلمه‌الله تجلی آن مرکز است که نفس کلمه‌الله باشد. کتاب مخزن بیانات حضرت بهاء‌الله است، در حالی که مبین کتاب که ملهم به الهامات ربانی است لسان گویا و زنده کتاب‌الله است و تنها مبین کتاب است که می‌تواند با قدرت و اختیار تام معانی آیات منزله در کتاب را توضیح و تشریح نماید و بدین قرار ملاحظه می‌شود که یک مرکز عبارت است از کتاب و مبین آن. مرکز دیگری بیت‌العدل اعظم است که به هدایت ربانیه مهتدی است و می‌تواند نسبت به هر مسئله و موضوع که صریحاً در کتاب مذکور نهاتخاذ تصمیم نماید.

کیفیت این دو مرکز منصوص و روابط آنان با یکدیگر به نحوی که مذکور شد در هر مرحله از مراحل توسعه و ترقی امرالله ظاهر و مشهود و حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس خطاب به یاران می‌فرمایند:

«پس از غیبت آن مظهر مقدس الهی به کتاب و من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القديم توجه نمایند» و در کتاب عهدی توضیح می‌فرمایند که «مقصود از این آیه مبارکه غصن اعظم بوده.»

همچنین در کتاب مستطاب اقدس مؤسسه بیت‌العدل اعظم را مقرر فرموده و اختیارات لازم برای ایفاء وظایف محوله به آن مؤسسه عنایت می‌فرماید. حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا مؤسسه ولایت امر را که به فرموده حضرت ولی امرالله در آیات کتاب اقدس به نحو روشنی بدان اشاره شده صریحاً تأسیس و وظایف و اختیارات بیت‌العدل اعظم را تعیین و تبیین می‌فرمایند و بار دیگر احباء را به رجوع به کتاب اقدس دلالت می‌فرمایند:

به قوله العزیز: «مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت‌العدل عمومی» و در پایان آن الواح مقدسه می‌فرمایند: «باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل عمومی نمایند و ماعدهما کل مخالف فی ضلال مبین.»

نظر به اینکه دایره اختیارات بیت‌العدل اعظم در وضع قوانین محدود به مواردی است که صریحاً در نصوص مبارکه مذکور نه، واضح و معلوم می‌شود که کتاب الهی بنفسه مرجع کل است و اوست که حدود وظایف بیت‌العدل را

تعیین می‌نماید به همین قرار این کتاب نیز باید اختیار لازم برای تعیین حدود نمایندگان منتخب امر در مورد وضع قوانین داشته باشد. آثار حضرت ولی امرالله و بیانات و اشارات ایشان که در مدتی بیش از سی و شش سال ولایت امر صادر گردیده طریقی را که برای اجراء این وظیفه نسبت به بیت‌العدل اعظم و همچنین محافل ملیه و محلیه اختیار فرموده‌اند به خوبی نشان می‌دهد.

این حقیقت که ولی امرالله اختیار دارد حدود عمل قانون‌گذاری بیت‌العدل اعظم را نقض نماید مستلزم این نتیجه نیست که بیت‌العدل بدون چنین هدایت ممکن است از حدود اختیارات مخصوصه خویش عدول کرده سرگردان بماند. چنین استنتاج با جمیع نصوص مبارکه راجع به عصمت بیت‌العدل اعظم و خصوصاً با بیان صریح و روشن ولی مقدس امرالله که می‌فرماید: «بیت‌العدل اعظم هرگز به حدود مقدسه مخصوصه ولایت امر تجاوز نخواهد نمود» منافات خواهد داشت. علی‌ای حال باید متذکر بود که هرچند محافل روحانیه محلیه و ملیه مادام که به موجب موازین مقررّه از طرف حضرت عبدالبهاء به شور و تبادل افکار پردازند از هدایت الهیه برخوردار خواهند بود معذک از تضمین صریحی که در حق بیت‌العدل اعظم در باره مصونیت از خطا عنایت شده برخوردار نخواهد بود. هر فرد بصیر که با توجه تام حقایق امریه را مطالعه نماید به خوبی درخواهد یافت که حضرت ولی امرالله با چه توجه و دقت خاص پس از صعود حضرت عبدالبهاء نمایندگان منتخب یاران را در ارتفاع نظم اداری امرالله و تنظیم مقررات و خط مشی محافل ملی و محلی راهنمایی فرمودند.

امیدواریم که توضیحات فوق دوستان را در درک این روابط بنحو روشن‌تری کمک و مساعدت نماید، ولی باید متذکر باشیم که همه ما نسبت به مراحل مقدماتی نظم ابداعی حضرت بهاءالله چنان نزدیکیم که هنوز نمی‌توانیم به قوای مکنونه و اجزای روابط ضروریّه آن پی بریم و این همان مطلبی است که منشی حضرت ولی امرالله در تاریخ ۲۵ مارچ ۱۹۳۰ از طرف هیکل مبارک به یکی از احباء مرقوم داشته است که می‌فرماید:

«مندرجات الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به درجه‌ای عمیق است که فهم آن برای نسل حاضر کما هو حقه متصور نیست لامحاله. یک قرن عمل و فعالیت لازم است تا آنکه مخازن حکمت مستوره در آن ظاهر و نمایان گردد.»

با تحیات مشتاقانه

بیت‌العدل اعظم